

بسم الله الرحمن الرحيم

تأثیرات مثبت و منفی مکتب فمینیسم بر خانواده اسلامی

فهیمة علیاری¹

چکیده

چکیده در یک بند نوشته می شود. [a1] Commented
صر چکیده: اجمالی از اهمیت موضوع و اشاره به موضوع مقاله، هدف، بیان روش تحقیق و گردآوری مطالب، بیان خلاصه نتایج و دستاوردهای تحقیق

انجام شد: [m2R1] Commented

[p3R1] Commented

[p4R1] Commented

[p5R1] Commented

خانواده اسلامی به عنوان بنیادی ترین و اثرگذارترین نهاد اجتماعی در جوامع مسلمان، نقش مهمی در انتقال ارزش های دینی، تربیت نسل آینده و حفظ همبستگی اجتماعی ایفا می کند؛ اما در دهه های اخیر، ورود و گسترش مکتب فمینیسم که با هدف دستیابی به برابری جنسیتی و احقاق حقوق زنان شکل گرفته است، تأثیرات متعددی بر ساختار، کارکرد و ارزش های خانواده اسلامی گذاشته است. از آنجا که فمینیسم با تأکید بر استقلال فردی، آزادی های شخصی و بازتعریف نقش های جنسیتی همراه است، بررسی تأثیرات آن بر نهاد سنتی خانواده در جوامع اسلامی، ضرورتی انکارناپذیر دارد. این مقاله با هدف بررسی دقیق این تأثیرات و روشن سازی فرصت ها و تهدیدهای ناشی از آن تدوین شده و به روش کتابخانه ای و تحلیلی، منابع معتبر داخلی و خارجی را مورد بررسی قرار داده است. در بعد مثبت، فمینیسم توانسته است با تقویت نقش زنان در تصمیم گیری های خانوادگی، حمایت از تحصیل و اشتغال آنان، و ایجاد آگاهی نسبت به حقوق انسانی، زمینه ساز روابط عادلانه تر در خانواده شود؛ اما در مقابل، این مکتب با چالش هایی همچون تضعیف جایگاه نقش های سنتی مرد و زن، افزایش فردگرایی، کاهش تمایل به ازدواج، افزایش نرخ طلاق و تنش های فرهنگی و ارزشی نیز همراه بوده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که تأثیر فمینیسم بر خانواده اسلامی نه مطلقاً مثبت و نه کاملاً منفی است، بلکه بستگی کامل به نوع مواجهه، بومی سازی مفاهیم، و تطبیق آن ها با زمینه های فرهنگی و دینی جامعه دارد.

کلیدواژه: فمینیسم - خانواده اسلامی - حقوق زنان - برابری

¹. طلبه سطح 2 مدرسه الزهراء (سلام الله علیها) خلخال

ایمیل: Fahime.al1980@gmail.com

مقدمه

Commented [a6]: نیاز به اصلاح دارد
ضرر مقدمه: به ترتیب باید تبیین مسئله، ضرورت، اهمیت و پیشنهاد
تحقیق و وجه امتیاز تحقیق حاضر نوشته شود

Commented [m7R6]: انجام شد

Commented [p8R6]:

در دهه‌های اخیر، مکتب فمینیسم به‌عنوان یک جنبش فکری و اجتماعی با هدف برابری جنسیتی و ارتقای جایگاه زنان، تأثیرات گسترده‌ای در جوامع مختلف جهان از خود به‌جا گذاشته است. با گسترش این جریان به کشورهای اسلامی، یکی از اصلی‌ترین نهادهای اجتماعی، یعنی خانواده، تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم آن قرار گرفته است. با توجه به اینکه خانواده در اسلام ساختاری بر پایه آموزه‌های دینی دارد و نقش‌های جنسیتی در آن به‌صورت سنتی تعریف شده‌اند، ورود آموزه‌های فمینیستی می‌تواند موجب تحول یا چالش در این نهاد گردد. در شرایطی که جهانی‌سازی، رسانه‌ها و آموزش‌های مدرن مفاهیم فمینیستی را بیش از پیش وارد فضای فکری جوامع اسلامی کرده‌اند، پرداختن به میزان سازگاری یا ناسازگاری این مفاهیم با ساختار خانواده اسلامی ضرورتی انکارناپذیر یافته است. شناخت دقیق این تأثیرات می‌تواند در جهت سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزشی نیز راهگشا باشد. خانواده اسلامی نقشی محوری در انتقال ارزش‌های دینی، تربیت نسل آینده و ایجاد انسجام اجتماعی دارد. هرگونه تغییر در نقش‌ها، ساختار و روابط خانوادگی می‌تواند آثار بلندمدت بر سلامت روانی، اخلاقی و فرهنگی جامعه داشته باشد. بنابراین تحلیل دقیق اثرات مثبت و منفی فمینیسم، به‌ویژه در بعد خانوادگی، از اهمیت بالایی برخوردار است.

تحقیقات متعددی در زمینه فمینیسم و نقش آن در تغییرات اجتماعی انجام شده است، اما اغلب این پژوهش‌ها یا بر جوامع غربی متمرکز بوده‌اند یا تنها از زاویه نقد دینی به آن نگریسته‌اند. در حالی که بررسی تطبیقی و چندوجهی تأثیر فمینیسم بر نهاد خانواده در بستر اسلامی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی و کتابخانه‌ای، در تلاش است تا با نگاهی منصفانه و تطبیقی، نه تنها چالش‌های ناشی از تأثیرات فمینیسم بر خانواده اسلامی را بررسی کند، بلکه فرصت‌ها و نقاط هم‌پوشانی میان ارزش‌های این مکتب و تعالیم اسلامی را نیز برجسته سازد. این نگرش می‌تواند به ارائه راهکارهایی متعادل برای استحکام خانواده و ارتقای جایگاه زنان در بستر دینی و فرهنگی کمک کند.

مفاهیم

1-فمینیسم

1-1 تاریخچه

اغلب کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در داخل و خارج کشور درباره مسائل زنان منتشر شده است کنوانسیون رفع تبعیض را ثمره دو قرن مبارزه و فعالیت خستگی‌ناپذیر جنبش زنان اروپا و آمریکا در دفاع از حقوق انسانی همه زنان جهان می‌دانند این جنبش از اوایل قرن نوزدهم به نام فمینیست و با شعار تساوی و برابری زن و مرد در همه شئون در فرانسه پدیدار شد و در واقع نوعی اعتراض به مردسالاری حاکم بر اعلامیه حقوق بشر فرانسه بود اعلامیه حقوق بشر فرانسه که بر اثر انقلاب کبیر فرانسه و بر اساس حقوق فطری و طبیعی در سال ۱۷۸۹ به تصویب رسید با بی‌اعتنایی آشکار به حقوق زنان هیچ‌گونه حقی را برای آنان در نظر نگرفت و در حقیقت اعلامیه دفاع از حقوق مردان بود.

در نتیجه گروهی از زنان در مخالفت با این نابرابری دست به اعتراض زدند و خواهان حقوق برابر با مردان شدند. این حرکت را بعدها ریاضی‌دان و فیلسوف فرانسوی ادامه داد و به تشکیل مکتب طرف‌داران زن انجامید پایه‌گذاران اصلی این مکتب در اوایل قرن نوزدهم سن سیمون و شاگرد او بودند که به گسترش نظریه برابری زن و مرد کمک شایانی کردند. مکتب طرف‌داران زن در دفاع از حقوق زنان به سه نکته اصلی تأکید داشت: 1- زن انسانی بالغ و کامل است و در برابر مردان به‌ویژه در زندگی زناشویی از استقلال اختیار و حقوق برابر برخوردار است 2- زن از نظر فکری انسانی آزاد آزاد و مستقل است 3- زنان باید در مسائل سیاسی شرکت کنند و از حقوق مساوی با مردان برخوردار باشند. (بنویل، 1401، ص 120-143)

در همان سال‌ها جنبش دفاع از حقوق زنان در آمریکا تحرک خوبی داشت در سال ۱۸۴۸ جنبش فمینیسم در آمریکا به نهضت سیاسی به نام نهضت سینکافالز تبدیل شد کنگره بین‌المللی حقوق زنان را لئون ریشیه یکی از بنیان‌گذاران جنبش برابری حقوق زن و مرد تشکیل داد؛ اما به‌رغم همه این تلاش‌ها رژیم‌های مختلف غربی تا اوایل قرن بیستم در حرکتی هماهنگ و مشترک به حقوق زنان بی‌اعتنایی می‌کردند. پس از جنگ جهانی دوم جامعه بین‌الملل که خسته از خوی خشن مردانه به دنبال صلح و صفا در سایه دوستی ملت‌ها بود عرصه‌ای را برای حضور سیاسی و اجتماعی زنان فراهم آورد سال‌های ۱۹۴۵ به بعد سال‌های گسترش چشمگیر نظریه

برابری زن و مرد در جهان است به گونه‌ای که اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد ۱۹۴۸ برای اولین بار به صراحت از تساوی حقوق زن و مرد در سطح جامعه ملل سخن به میان آورد پس از اعلامیه حقوق بشر تصویب معاهدات بین‌المللی در دفاع از حقوق زنان تحت تأثیر جنبش فمینیستی دهه ۶۰ و ۷۰ رشد فزاینده‌ای به خود گرفت کنوانسیون حقوق سیاسی زنان ۱۹۵۲ و کنوانسیون رضایت برای ازدواج ۱۹۶۲ از جمله مصوبات این دوره‌اند. (حمیرا مشیرزاده، ۱۳۸۲، ص ۲-۹)

2-1 تعریف

شاید بتوان گفت در طول قرن بیستم جنجالی‌ترین جنبش اجتماعی و فکری در سطح جهان فمینیسم نام دارد. بسیاری از دگرگونی‌های اجتماعی سیاسی و حقوقی در وضعیت زنان در جوامع مختلف را می‌توان در وهله نخست ناشی از این جنبش دانست. حضور زنان در عرصه عمومی به صورت مختلف از جمله اشتغال در حوزه اقتصادی و رده‌های مختلف مناصب دولتی حق رأی عضویت در پارلمان‌ها کابینه دولت قوه قضاییه بهره‌مند شدن از حقوق مدنی و غیره از جمله این تغییرات است.

از سوی دیگر گاه دگرگونی‌هایی چون تزلزل در نهاد خانواده کاهش ازدواج افزایش طلاق بروز برخوردهای تخصصی‌آمیز میان زنان و مردان و زیرسؤال بردن برخی از سنت‌های دیرینه که بنیان ثبات اجتماعی دانسته می‌شود از تبعات و یا حتی شاخص و وجه معرف رشد و گسترش فمینیسم تلقی می‌گردد در طول چند دهه اخیر و به‌ویژه در چند سال گذشته فمینیسم و پاره‌ای از انتقادات خواست‌ها و مطالبات به نظر برخی می‌توانند به دگرگونی‌هایی از دسته نخست و دوم منتهی شوند وارد گفتار روشنفکری و عمومی جامعه ما شده است ما به نظر می‌رسد که فمینیسم نیز مانند بسیاری از پدیده‌های فکری که حداقل در وهله نخست به نوعی وارداتی و غربی هستند با دو واکنش عمده روبرو شده است. (ایبانه، ۱۳۹۱، ص ۱۷-۲۵)

از یک سو پاره‌ای بدون نقد و ارزیابی و با شیفتگی راه‌حل مشکلات زنان ایرانی را در آن می‌جویند پاره‌ای دیگر نیز یکسره و بدون تلاش برای فهم عمیق آن هیچ شکلی از آن را بر نمی‌تابد، حال باید پرسید که فمینیسم چیست؟ فمینیست به عنوان جنبش اجتماعی و فکری وسیع‌ترین معنای آن در صدد ارتقای موقعیت زنان به عنوان یک گروه در جامعه است از فمینیسم نیز همچون هر جنبش اجتماعی و فکری انتظار می‌رود که موقعیت

فرو دست گروه پایه خود یعنی زنان را تبیین کند و علل و عوامل مؤثر در این وضعیت را توضیح دهد تصویری از جامعه مطلوبی که در آن زنان از موقعیت مساعد و مناسب برخوردارند ارائه کند مجموعه مطالباتی را برای رسیدن به این هدف در دستور کار خود قرار دهد و سرانجام با تعیین راهبرد عملیاتی خود به سازماندهی و بسیج منابع بپردازد.

روش‌های مشروع و یا مؤثر مورد نظر خود را برای نیل به اهداف مشخص سازد همه‌ترین مسئله در اینجا آن است که با مطرح‌شدن این موضوعات کم‌وبیش عینی‌تر و مشخص‌تر یعنی زمانی که از تعریف عام فمینیسم خارج می‌شویم و به سمت تعریف دقیق‌تر آن حرکت می‌کنیم در می‌یابیم که اساساً با یک فمینیسم واحد روبرو نیستیم در طول بیش از ۱۵۰ سالی که از آغاز جنبش زنان بیش از یک قرن که از مطرح‌شدن اصطلاح فمینیسم در اشاره به این جنبش می‌گذرد نظریه‌های مختلف و گاه متعارضی در تبیین فرودستی زنان برداشت‌های متنوع و متفاوتی از وضعیت مطلوب و آرمانی برای زنان و کل جامعه دستور کارهای متفاوت و بعضاً متضادی در جنبش شیوه‌های مختلف و راه‌های متفاوت برای نیل به اهداف مورد تأکید قرار گرفته است در نظریه‌پردازی فمینیستی گاه ریشه وضعیت فرو دست زنان در تفاوت‌های فیزیولوژیک و زیست‌شناختی جستجو شده است گاه بر ترکیب این تفاوت‌ها از ضرورت‌های اجتماعی در جوامع بدوی تأکید شده است گاه ریشه آن در ترتیبات یا نهادهای خاص اجتماعی مانند ظهور کشاورزی سلسله‌مراتب اجتماعی مالکیت خصوصی و طبقات تقسیم کار اجتماعی دولت سرمایه‌داری و غیره تلقی شده است گاه صورت‌بندی‌های گفتاری و فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته‌اند و گاه اساساً نوعی نظام دوگانه قدرت به شکل تلویحی مطرح می‌شود که در این نظام زنان در حوزه‌هایی فرو دست در حوزه‌هایی فرادست هستند. (تراهی، ۱۳۸۶، ص ۱۷-۳۷)

فمینیسم گاه به‌عنوان مبارزه برای حقوق برابر زنان با مردان مطرح بوده گاه بر برتری زنان بر مردان تأکید داشته گاه تفاوت زن و مرد را نقطه عزیمت خود قرار داده است و گاه اساساً زن و مرد زنانگی و مردانگی را اموری غیر جوهری و یا برساخته اجتماع معرفی کرده است زمانی شاخصه فمینیسم فعالیت سیاسی غیر نهادینه به شکل تظاهرات و اعتصاب بوده است در مواردی در چارچوب سیاست روزمره و نهادینه عمل کرده است و سرانجام به‌ویژه در دو دهه اخیر بیش از هر چیز به سمت مبارزات فرهنگی و گفتاری در قالب نظریه‌پردازی اجتماعی حرکت کرده است. به‌علاوه منادیان این حرکت‌ها و اندیشه‌ها نه تنها فمینیست‌هایی بودند که هم خود را فمینیسم می‌دانستند و هم در جنبش زنان به‌عنوان فمینیسم شناخته شده‌اند؛ بلکه فراتر از آن این برداشت‌های متفاوت از سوی زنان گاه مردانی مطرح شده که در مواردی خود را فمینیست هم نمی‌دانستند؛ اما دیگران آنها

پس افزایش فشارهای روانی بر زنان در نتیجه پذیرش برخی از دیدگاه‌های فمینیستی نیازمند بررسی دقیق و رویکردی متعادل است. از یک سو، اهداف فمینیسم در زمینه ارتقای حقوق زنان و ایجاد فرصت‌های برابر باید تشویق شود. اما از سوی دیگر، باید اطمینان حاصل شود که این تغییرات، فشارهای غیرمنطقی و فراتر از حد توان را بر زنان تحمیل نکند. برای دستیابی به این تعادل، نیاز به آموزش، حمایت روانی - اجتماعی، و سیاست‌هایی است که به زنان کمک کند نقش‌های متنوع خود را به بهترین نحو ممکن مدیریت کنند. (سمی، 1985، ص 203-260)

3-6 تضعیف ارزش‌های دینی و فرهنگی

ضعیف ارزش‌های دینی و فرهنگی یکی از نگرانی‌هایی است که برخی از افراد درباره پذیرش برخی ایده‌های فمینیستی مطرح می‌کنند. این مسئله زمانی رخ می‌دهد که مفاهیم فمینیستی، به‌ویژه در اشکال لیبرالی آن، با اصول و سنت‌های دینی و فرهنگی در تضاد باشند. دیدگاه‌های فمینیستی ممکن است نقش‌ها و ارزش‌های سنتی مرتبط با دین و فرهنگ را کم‌رنگ کنند و افراد را به سمت تغییراتی سوق دهند که با اعتقادات جامعه سازگار نیستند. همچنین پذیرش ایده‌های جدید ممکن است باعث شود نسل‌های جوان‌تر ارزش‌های دینی و فرهنگی نسل‌های قبل را زیر سؤال ببرند که این امر می‌تواند به شکاف نسلی منجر شود. برخی اصول فمینیسم ممکن است ساختار سنتی خانواده را که بر پایه ارزش‌های دینی استوار است، تحت تأثیر قرار دهند و الگوهای جدیدی را معرفی کنند که با این ارزش‌ها ناسازگار هستند. (شناس، 1389، ص 76-82)

3-7 افزایش نرخ طلاق

تأکید بر استقلال فردی و حقوق زنان ممکن است به کاهش همبستگی خانوادگی و افزایش تعارضات منجر شود و این امر می‌تواند به افزایش نرخ طلاق منجر شود. افزایش نرخ طلاق به‌عنوان یکی از تأثیرات منفی احتمالی فمینیسم مورد بحث قرار می‌گیرد. این مسئله بیشتر به تغییر در نگرش‌ها، نقش‌های خانوادگی و انتظارات اجتماعی مرتبط است که برخی دیدگاه‌های فمینیستی می‌توانند ایجاد کنند. فمینیسم اغلب بر استقلال فردی و برابری نقش‌ها در روابط خانوادگی تأکید دارد. درحالی‌که این اهداف ارزشمند هستند، ممکن است

انتظارات افراد در ازدواج و خانواده را تغییر دهند. به عنوان مثال، اگر یکی از زوجین به نقش‌های سنتی پایبند باشد و دیگری به دنبال برابری مطلق یا استقلال بیشتر باشد، این اختلافات می‌تواند به تضادها و در نهایت طلاق منجر شود. فمینیسم باعث شده که زنان آگاهی بیشتری از حقوق خود داشته باشند و در برابر نابرابری‌ها مقاومت نشان دهند. در نتیجه، زنانی که احساس می‌کنند در ازدواجشان با تبعیض یا نابرابری مواجه هستند، ممکن است تصمیم به جدایی بگیرند. اگرچه این موضوع گاهی مثبت به سمت عدالت است، اما از دیدگاه سنتی خانواده می‌تواند موجب افزایش نرخ طلاق شود. (باغستانی، 1397، ص 139-148)

برخی ایده‌های فمینیستی، مانند تأکید بر خودکفایی و عدم نیاز به تکیه بر دیگران، می‌تواند انتظارات غیرواقع‌بینانه‌ای را ایجاد کنند. این انتظارات ممکن است به چالش‌هایی در روابط زناشویی منجر شود، زیرا زوجین برای هماهنگی و سازگاری با این تغییرات آماده نیستند. با تأکید بر حقوق فردی و استقلال، برخی افراد ممکن است تمایل کمتری به سازش و حل مشکلات زناشویی داشته باشند. این رویکرد می‌تواند منجر به جدایی‌هایی شود که در شرایطی دیگر، امکان داشت با تلاش و تعامل حل و فصل شوند. در جوامعی که ازدواج بر اساس ارزش‌های دینی و فرهنگی سنتی استوار است، پذیرش ایده‌هایی که با این ارزش‌ها در تضاد هستند، ممکن است همبستگی خانوادگی را کاهش دهد. زوجینی که ارزش‌ها و باورهای متفاوتی در مورد ازدواج و خانواده دارند، احتمال بیشتری برای اختلاف و طلاق دارند. در بسیاری از کشورها، تحت تأثیر جنبش‌های فمینیستی، قوانین خانواده اصلاح شده‌اند و فرایند طلاق تسهیل شده است.

اگرچه این تغییرات حقوق زنان را تقویت کرده‌اند، اما ممکن است به افزایش طلاق‌هایی منجر شوند که در گذشته به دلیل موانع قانونی رخ نمی‌دادند. در نتیجه افزایش نرخ طلاق به دلیل تأثیرات فمینیسم، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که نمی‌توان آن را به طور مطلق مثبت یا منفی دانست. از یک سو، آگاهی‌بخشی و ارتقای حقوق فردی، به‌ویژه برای زنان، می‌تواند به ایجاد روابط سالم‌تر و عادلانه‌تر کمک کند. از سوی دیگر، اگر این تغییرات به شکلی افراطی یا بدون توجه به ارزش‌های فرهنگی و دینی اجرا شوند، ممکن است به ناپایداری روابط خانوادگی منجر شوند. (صنعوی، 1949، ص 703-753)

4- نتیجه گیری

بررسی تأثیرات مکتب فمینیسم بر خانواده اسلامی نشان می‌دهد که این موضوع پیچیده و چندلایه است و تحلیل آن نیازمند در نظر گرفتن ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، دینی و فردی است. در این مقاله تلاش شد تا به جنبه‌های مثبت و منفی فمینیسم پرداخته شود و چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از آن در زمینه روابط خانوادگی بررسی شود.

در بخش تأثیرات مثبت، مشخص شد که فمینیسم می‌تواند به بهبود زندگی زنان و خانواده‌ها کمک کند. از جمله مهم‌ترین دستاوردهای آن می‌توان به افزایش آگاهی زنان نسبت به حقوق خود، تقویت عدالت و برابری در روابط خانوادگی، و مشارکت بیشتر زنان در تصمیم‌گیری‌ها اشاره کرد. این دستاوردها می‌توانند پایه‌ای برای ساختن خانواده‌هایی عادلانه‌تر و مستحکم‌تر باشند. همچنین، حمایت از تحصیل و اشتغال زنان به تقویت اقتصادی خانواده و بهبود سطح زندگی کمک می‌کند و شرایطی فراهم می‌آورد که زنان و مردان بتوانند به‌عنوان همکارانی برابر در کنار یکدیگر فعالیت کنند.

در مقابل، بررسی تأثیرات منفی نشان داد که چالش‌هایی نیز در پذیرش برخی دیدگاه‌های فمینیستی در خانواده اسلامی وجود دارد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به تضعیف نقش‌های سنتی خانوادگی، افزایش نرخ طلاق، تضعیف ارزش‌های دینی و فرهنگی، افزایش فشارهای روانی بر زنان، و ایجاد تعارضات خانوادگی اشاره کرد. این مسائل گاهی به دلیل تضاد میان ارزش‌های مدرن و سنتی ایجاد می‌شوند و اگر به‌درستی مدیریت نشوند، می‌توانند به از بین رفتن انسجام و پایداری خانواده منجر شوند.

نکته کلیدی این است که فمینیسم به‌خودی‌خود نه منفی است و نه مثبت؛ بلکه تأثیرات آن به نحوه اجرا و تطبیق با زمینه‌های فرهنگی و دینی هر جامعه بستگی دارد. خانواده اسلامی، به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نیازمند مراقبت و تقویت است و هر تغییری که در آن ایجاد شود، باید با دقت و توجه به ارزش‌های اصیل دینی و فرهنگی همراه باشد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که در فرایند تطبیق ایده‌های فمینیستی با ساختار خانواده اسلامی، تعادل میان حقوق فردی و مسئولیت‌های اجتماعی رعایت شود. آموزش، گفت‌وگو و تلاش برای یافتن نقاط مشترک می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تضادها کمک کنند. همچنین، سیاست‌گذاران و جامعه‌شناسان باید با

تحقیقات عمیق‌تر و رویکردی متعادل، راهکارهایی برای حفظ و تقویت نهاد خانواده در جوامع اسلامی ارائه دهند.

در نهایت، می‌توان گفت که خانواده اسلامی با بهره‌گیری از دستاوردهای مثبت فمینیسم و درعین‌حال پابندی به ارزش‌های دینی و فرهنگی، می‌تواند به الگویی برای تحقق عدالت و همبستگی در روابط خانوادگی تبدیل شود. این امر نیازمند همراهی تمامی اعضای خانواده و جامعه است تا بتواند بهترین نتیجه ممکن را به همراه داشته باشد.

5- منابع

1. ایبانه، محمد حسین قدیری. 1391. *زن در اسلام و غرب*. قم: بنیاد بعثت.
2. آدیشی، چیماماندا انگوزی. 1396. *مانیفست یک فمینیست در پانزده پیشنهاد*. تهران: انتشارات کوله پستی.
3. آملی، عبدالله جوادی. 1386. *زن در آینه جلال و جمال*. قم: اسراء.
4. باغستانی، جسیکا بنت، فاطمه. 1397. *باشگاه مشیت زنی فمینیستی*. تهران: نشر کتاب کوله پستی.
5. بنویل، جان. 1401. *شوهد*. تهران: نشر نون.
6. بهشتی، احمد. 1361. *خانواده در قرآن*. قم: طریق القدس.
7. پورعلمدار، آریل لوی، تیم کسر، راحله میر اسلامی، فاطمه سادات رضوی، پریسا. 1389. *تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب*. تهران: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه).
8. تراهی، سهیلا صادقی فسانی، آمنه بختیاری، اسماعیل بلالی، زهره احدی بار، محمد علی محمدی، مریم فرهمند، سید محمد. 1386. *فمینیسم و خانواده*. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، روابط عمومی.
9. حمیرامشیرزاده. 1382. *از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم*. تهران: نشر غزال.

10. رین، استوارت. 1398. *فمینیسم در ترازوی نقد*. تهران: دفتر نشر معارف.
11. سمی، مارگارت آتوود، سهیل. 1985. *سرگذشت نادیمه*. تهران: ققنوس.
12. شناس، سید جعفر حق. 1389. *نقد فمینیسم از منظر نویسندگان غرب*. تهران: پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام).
13. صنعوی، سیمون دوبوورا، قاسم. 1949. *جنس دوم*. تهران: نشر توس.
14. طباطبایی، چیماماندا انگوزی آدیشی، مریم. 1935. *ما همه باید فمینیست باشیم*. تهران: نشر کوله پستی.
15. قرائتی، محسن. 1398. *سیمای خانواده در قرآن و روایات*. تهران: مرکز فرهنگ درسهای از قرآن.
16. لمب، ملاله یوسف زی، کریستیانا. 1394. *من ملاله هستم*. تهران: انتشارات کوله پستی.
17. مرتضوی، خولیا آلوارز، حسن. 1400. *در زمانه پروانه ها*. تهران: نشر خوب.
18. مطهری، مرتضی. 1401. *نظام خانوادگی اسلام*. تهران: صدرا.
19. ملکی،، فاطمه بداغی، فریده خلیج آبادی، محمدرضا شرفی، شهلا کاظمی پور، محمود مشفق، حسن. 1391. *خلاق خانواده*. قم: دفتر نشر معارف.
20. مهدیان، مارلین لگیت، نیلوفر. 1402. *زنان در روزگارشان*. تهران: نشر نی.
21. هاجری، عبد الرسول. 1382. *فمینیسم جهانی و چالش های پیش رو*. قم: انتشارات بوستان کتاب.
22. واقفی، افسانه نجم آبادی، آتنا کامل، ایمان. 1396. *زنان سیبیلو و مردان بی ریش*. تهران: نشر تیسرا.